

## گزارش کنفرانس بین المللی:

### "معضل افغانستان: آیا راهی برای خروج از بن بست وجود دارد؟"

کنفرانس بین المللی "معضل افغانستان: آیا راهی برای خروج از بن بست وجود دارد؟" در تاریخ ۲۰/۹/۸۷ در شهر مسکو برگزار گردید. در این کنفرانس نزدیک به ۳۰ نفر از محققین و دیپلمات‌های کشورهای روسیه، آلمان، قرقیزستان، تاجیکستان، قزاقستان، پاکستان، افغانستان و اوکراین و جمهوری اسلامی ایران حضور داشتند، اینجانب با هماهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در مسکو و بنا به دعوت مشترک برگزار کنندگان کنفرانس یعنی مرکز سیاسی- اجتماعی روسیه و بنیاد آلمانی روزالوکزامبورگ (دفتر مسکو) در سمینار مذکور شرکت نمودم.

جلسات کنفرانس مشتمل بر جلسه افتتاحیه، دو جلسه تخصصی و یک جلسه جمع‌بندی بود. در سخنرانی افتتاحیه سمینار توسط روسای مرکز سیاسی- اجتماعی روسیه و رئیس دفتر بنیاد روزا لوکزامبورگ در مسکو، آقای الکساندر موزیکانتسکی رئیس مرکز روسی اظهار داشت، تحولات افغانستان برای منطقه و کشورهای دیگر به شرایط خطرناکی رسیده است. به همین دلیل این مرکز با همکاری بنیاد روزا لوکزامبورگ برگزاری چنین سمیناری را در دستور کار قرار داد. نکات مهمی در این مسئله دخیل است که از آن جمله تحولات در روابط روسیه و امریکا است.

آقای پیتر لینکه رئیس دفتر بنیاد روزا لوکزامبورگ در مسکو نیز اظهار داشت که رویکرد نظامی در افغانستان به شکست انجامی ده و نتایج ناگواری به وجود آورده است. اگر به تاریخ مناقشه نگاه کنیم، در می‌یابیم که به مرور شرایط از وخامت بیشتری برخوردار گردیده است. ایشان در ادامه اظهار داشت از نظر ژئوپلتیک اینکه افغانستان بخشی از آسیای مرکزی است یا آسیای غربی حائز اهمیت می باشد. وی ادامه داد که آیا می‌توانیم از سازمان شانگهای استفاده کنیم؟ چه عناصری برای تحلیل مسائل افغانستان باید در نظر گرفت؟

پس از سخنرانی افتتاحیه، جلسه نخست تخصصی با عنوان "مروری بر اوضاع سیاسی و نظامی افغانستان و آسیای مرکزی" آغاز گردید. ابتدا آقای ویکتور کورگان رئیس بخش افغانستان موسسه شرق شناسی آکادمی علوم روسیه مقاله خود را تحت عنوان "ارزیابی فعالیت نیروهای بین المللی حافظ صلح در افغانستان" ارائه نمود. وی اظهار داشت: نیروهای حافظین صلح بین المللی (ایساف) از ۴۱ کشور تشکیل شده که ۲۶ کشور عضو ناتو هستند و ۵۲ هزار نفر نیروی نظامی حضور دارند و سهم امریکا ۲۳ هزار نفر است که تحت فرماندهی ناتو کار می‌کنند. ۱۲ هزار نیروی نظامی امریکایی نیز به طور مستقل در افغانستان حضور دارند که باید انتظار افزایش نیروهای فوق را داشته باشیم.

وی گفت اکنون میزان قدرت طالبان مورد سوال نیست بلکه سوال این است که طالبان چه زمان کابل را فتح خواهد کرد؟ توفیق نظامی طالبان مدیون حمایت ضمنی مردم است. از دیدگاه آنان، طالبان محافظه کار است اما علیه بی‌دینان، امریکا و فساد مبارزه می‌کند و مردم از این ایده‌ها حمایت می‌کنند. اکثریت مردم نمی‌خواهند طالبان برگردند ولی در بخش‌هایی از افغانستان تا ۳۰ درصد مردم از آنها حمایت می‌کنند. این یک واقعیت است که طالبان در بسیاری از مسائل کارآمدتر از دولت مرکزی است که درگیر ناکارآمدی و فساد می‌باشد. طالبان به تدریج قابلیت‌های خود را به مردم نشان داده است.

به طور کلی، مردم احساس می‌کنند که شرایط در افغانستان به بن بست رسیده است. احساسات ضد غربی در حال افزایش است. احساس مثبت مردم نسبت به غرب از ۷۶ در صد در سال ۲۰۰۲ به ۴۶ درصد در سال ۲۰۰۸ رسیده است. یکی از دلایل آن حملات امریکا به مردم عادی است. مردم می‌گویند نیروهای غربی به اندازه طالبان مردم می‌کشند. تاکنون طی سال ۲۰۰۸ بالغ بر ۱۴۴۵ نفر غیر نظامی توسط نیروهای ناتو کشته شده اند. این آمار رسمی است و آمار غیر رسمی قطعاً بیشتر است. این در حالی است که در ماه اوت تنها ۳۰۰ نفر کشته شدند. در سال‌های اخیر دولت امریکا تردید خود را نسبت به صحت سیاست‌های خود اعلام داشته و اقدامات ناتو نتوانسته است مانع تجارت مواد مخدر شود. بررسی میزان توجه غرب به ویژه امریکا به مسائل افغانستان بیانگر آن است که افغانستان اولویت خود را در سیاست خارجی امریکا از دست داده است.

در خصوص مذاکره با طالبان نیز به نظر می‌رسد رویکرد دولت افغانستان و برخی کشورهای غربی مبتنی بر انجام مذاکره با این گروه است. ناتو نیز از ایده مذاکرات حمایت

کرده اما نمی‌خواهد در این مورد موضع رسمی اتخاذ نماید. روسیه مخالف مذاکره با طالبان است زیرا آن را با منافع منطقه ای خود در تضاد می‌بیند. از دیدگاه روسیه، راه حل نهائی مبارزه با افراط گرایی باید توسط خود مردم انتخاب شوند.

ژنرال لئونید ایواشف رئیس آکادمی مسائل ژئوپلیتیک روسیه سخنان دوم سمینار بود که تحت عنوان "جنبه های ژئوپلیتیک بحران افغانستان و آسیای مرکزی: امریکا و ناتو در مقابل دادگاه"، به ارائه مطلب پرداخت. وی با انتقاد از عملکرد امریکا و ناتو در افغانستان، به نقش امریکا در شکل گیری و دستیابی به قدرت توسط طالبان اشاره نمود. به گفته وی، قبل از مرگ احمد شاه مسعود، در جلسه مشترکی با حضور دستگاه اطلاعاتی پاکستان، عناصر طالبان و القاعده، نا آرام کردن افغانستان مورد توافق و در دستور کار آنان قرار گرفت. وی گفت اهمیت افغانستان در منطقه و در قلب جهان اسلام می‌تواند هند، پاکستان، ایران روسیه و چین را تحت تاثیر قرار دهد. مناطقی چون خاورمیانه و قفقاز نیز به طور غیر مستقیم تحت تاثیر هستند.

ژنرال ایواشف با مقایسه سیاست امریکا در عراق و افغانستان، اعلام داشت که شرایط در افغانستان فرق می‌کند. امریکایی‌ها از خروج از عراق صحبت می‌کنند اما حرفی از خروج از افغانستان به میان نمی‌آورند. وی سه سناریو را پیش روی افغانستان دانست که در سناریوی اول، امریکا اقدام به امضای توافقنامه با دولت مرکزی می‌نماید. در نتیجه، به طور موقت آرامش برقرار گردیده، پایگاه‌های امریکا و ناتو در افغانستان مستقر، توسعه نسبی اجتماعی صورت گرفته و امنیت نسبی حاصل می‌گردد. اما شرایط موقت است زیرا تحمل در افغانستان زیاد نیست. اگر طالبان به توافق بپیوندند موجب می‌شود نیروهای افراطی قدرت را در دست گیرند که این امر به شروع مجدد جنگ داخلی منجر می‌گردد.

سناریوی دوم آن است که طالبان این توافقنامه را رد خواهد کرد که این امر نیز موجب استمرار جنگ داخلی، تلفات بیشتر و نهایتاً غلبه طالبان بر حاکمیت فعلی خواهد شد.

سناریوی سوم، چارچوب سازمان همکاری شانگهای است. البته امریکا و غرب نیز می‌توانند در این روند شرکت کنند. این چارچوب ثبات بیشتر، مشارکت جدی‌تر کشورهای منطقه به ویژه کشورهای آسیای مرکزی را در پی خواهد داشت.

سخنران بعدی، خانم باریشاپولتس کسنیا رئیس مرکز مطالعات مشترک المنافع وابسته به موسسه دولتی روابط بین الملل بود که تحت عنوان "ترکیب استراتژی‌های دولت‌های

آسیای مرکزی در مبارزه با تجارت مواد مخدر، تروریسم و افراط گرایی محلی" مطالب خود را ارائه نمود. وی با اشاره به مشکلات و پیامدهای گسترش قاچاق مواد مخدر در افغانستان و منطقه آسیای مرکزی، این روند را بسیار پیچیده خواند و نقش دولت مرکزی افغانستان در موضوع تجارت مواد مخدر را قابل بررسی دانست.

وی با دشوار ارزیابی کردن حل مشکل مواد مخدر توسط دولت و مردم افغانستان، اظهار داشت تولید مواد مخدر در افغانستان پس از طالبان به اندازه کافی افزایش یافته و به نظر می‌رسد در شرایطی که مواد مخدر افغانستان به مرزهای امریکا رسیده است، واشنگتن و ناتو توجه چندانی به این موضوع ندارند. وی گفت آسیای مرکزی تنها ۳۰ درصد مواد مخدر صادر شده از افغانستان را عبور می‌دهد و بیشتر صادرات از مسیرهای جنوب افغانستان صورت می‌گیرد.

ایشان تقویت گاردهای مرزی و ارتقاء سطح حرفه‌ای آنان، ترجیح راه حل سیاسی برای مبارزه با قاچاقچیان و اصلاح ساختارهای دولتی در مقابله با تولید و صدور مواد مخدر، تامین رفاه ماموران مبارزه با مواد مخدر و مدیریت صحیح تبلیغات در رسانه‌های گروهی را از جمله راه‌کارهای پیشنهادی در مبارزه با مواد مخدر اعلام کرد.

سخنران بعدی ولادیمیر اوسیف محقق ارشد موسسه اقتصاد جهانی و امور بین الملل وابسته به آکادمی علوم روسیه بود که تحت عنوان "سازمان همکاری شانگهای و نقش آن در غلبه بر بحران در افغانستان" به ارائه مطلب پرداخت. وی با اشاره به تمایل آشکار سازمان همکاری شانگهای برای حضور در مسئله افغانستان اظهار داشت کشورهای عضو و ناظر این سازمان هم اکنون نیز به شکل فعالی در مسئله افغانستان درگیر هستند. موضوع افغانستان همواره در نشست‌های سران سازمان به ویژه در نشست‌های اخیر در بیشکک و دوشنبه در دستور کار قرار داشته است. سازمان همکاری شانگهای بر حل جامع بحران و عناصر آن تأکید دارد. بخش ضد تروریستی سازمان که در بیشکک مستقر است در پی ایجاد یک کار گروه در مورد تروریسم است که بخش اعظم آن متوجه افغانستان است. در خصوص مبارزه با قاچاق مواد مخدر نیز در نشست اخیر سران در دوشنبه، رئیس جمهور تاجیکستان پیشنهاد نمود یک مرکز ویژه در دوشنبه برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر تشکیل شود. در اجلاس بیشکک نیز رئیس جمهور قرقیزستان پیشنهاد برگزاری یک کنفرانس بین المللی در مورد تروریسم و مواد مخدر در افغانستان را ارائه نمود. به اعتقاد ایشان، افغانستان نمی‌تواند به

حال خود واگذار شود و سازمان همکاری شانگهای بایستی بر اعطای کمک‌های نظامی به افغانستان نظارت نماید. حضور نیروهای غربی در مسائل افغانستان موجب بدتر شدن اوضاع شده است.

وی در تحلیل سیاست آتی امریکا در قبال افغانستان گفت حتی اگر بپذیریم که سیاست‌های اوباما با بوش فرق می‌کند نمی‌توانیم بپذیریم که وی کورکورانه عراق و افغانستان را ترک کند. شمار نیروها در عراق کاهش خواهد یافت اما برخی نیز در افغانستان به طور موقت مستقر خواهند شد اما این منجر به بهبودی اوضاع نخواهد شد.

نامبرده معتقد بود که عقب نشینی کامل ناتو و غرب تامین کننده منافع روسیه نیست زیرا اگر امریکا در افغانستان گرفتار شود مانع از حضور آن در مناطق دیگر می‌شود. اگر امریکا خارج شود کدام قدرت می‌تواند مسائل افغانستان را حل کند؟ چین نیز از ناحیه افغانستان احساس خطر می‌کند. اگر روسیه مانع از عبور کالا از مرز خود شود از مسیر پاکستان می‌رود اما اگر روسیه اجازه دهد می‌تواند در روند اعمال نظر کند به ویژه اینکه روسیه و غرب در مورد افغانستان اختلاف نظر چندانی ندارند.

آلکسی ماخلای معاون اول مرکز سیاسی - اجتماعی روسیه سخنان بعدی بود که تحت عنوان "منافع امریکا و آسیای مرکزی در کنترل بر افغانستان" به ارائه مطلب پرداخت. وی با اشاره به اهمیت استراتژیک افغانستان، اظهار داشت که کنترل افغانستان به معنی کنترل آسیای مرکزی است. رشد اقتصاد بین المللی نیاز به منابع معدنی را افزایش داد است و اگرچه افغانستان دارای منابع انرژی نیست ولی نقش مهمی در توزیع منابع نفت و گاز منطقه دارد. به این دلیل امریکا نه تنها در پی تسلط بر افغانستان و آسیای مرکزی است بلکه کاهش نقش روسیه، چین، هند و ایران را نیز در دستور کار قرار دارد.

تمامی کشورهای منطقه به نوعی درگیر مسئله انرژی هستند لکن اگر عبور خط لوله از افغانستان محقق شود امریکا بیشترین سود را خواهد برد. کشورهای پاکستان، هند، چین، ازبکستان، قزاقستان، تاجیکستان و ازبکستان نیز می‌توانند منافی را در این وضعیت برای خود تعریف نمایند. چین یک بازیگر جهانی در منطقه است و موقعیت آن به عنوان یک کشور با نفوذ در منطقه باید مورد توجه قرار گیرد. امریکا نمی‌خواهد چین به یک کشور قوی تبدیل شود. در مورد روسیه نیز همین وضعیت حاکم است. کنترل بر افغانستان موجب

کنترل چین و هند در دراز مدت است. بحران افغانستان ظرف سی سال گذشته ناشی از سیاست های کشورهای خارجی بوده است.

اینجانب به عنوان سخنران بعدی سمینار، به تشریح دیدگاه های جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران افغانستان پرداختم. در ابتدا به ارزیابی روندهای جاری در افغانستان پرداخته و در بیان روندهای منفی، سقوط شرایط و استانداردهای زندگی، بی ثباتی و ناامنی، گسترش کاشت و تجارت مواد مخدر، ضعف حاکمیت و ناکامی امریکا و ناتو در استقرار ثبات در افغانستان اشاره نمودم. در عین حال برخی روندهای نسبتاً مثبت نظیر ثبات نسبی در سیستم سیاسی، تحول و تقویت نسبی نیروهای نظامی افغانستان، برخی پیشرفتهای آموزش و بهداشت و بهبودی نسبی در برخی شاخص های اقتصادی نظیر نرخ تورم، سرمایه گذاری، اصلاحات پولی و درآمدهای دولت نیز مورد اشاره قرار گرفت.

در خصوص پیامدهای منطقه ای بحران افغانستان، اشاره کردم که بحران افغانستان ثبات و امنیت در آسیای مرکزی و آسیای غربی را تحت تأثیر قرار داده و سطح تهدید و بی ثباتی در منطقه را افزایش داده است. متأسفانه در چنین شرایطی، کشورهای منطقه نقش چندان موثری در حل و فصل بحران ایفا نمی کنند و عمدتاً شاهد فعالیت کشورهای خارج از منطقه می باشند. در شرایطی که راه حل امریکا و ناتو در افغانستان به بن بست رسیده است، رویکرد منطقه ای و فعال شدن کشورهای منطقه می تواند گامی به جل و ارزیابی گردد.

در تشریح دیدگاه ها و اهداف جمهوری اسلامی ایران در افغانستان ابتدا به اهمیت ثبات و امنیت در افغانستان برای ایران اشاره و آسیب های ناشی از گسترش بی ثباتی در این کشور همسایه برای ایران را برشمردم. در بیان اهداف، سیاست ها و اقدامات جمهوری اسلامی ایران در افغانستان، ترجیح ایران به یک رویکرد منطقه ای در حل مسئله افغانستان، حمایت از دولت مرکزی مقتدر، مخالفت با تروریسم و قاچاق مواد مخدر، مخالفت با اشغال و حضور بیگانه و مخالفت با تبدیل افغانستان به پایگاهی برای اقدام علیه کشورهای همسایه آن را به عنوان سرفصل های عمده سیاست ایران در این کشور اعلام و پس از آن به تشریح اقدامات و فعالیت های ایران در بخش های مختلف اقتصادی و اجتماعی در جهت استقرار ثبات و نیز کمک به توسعه و رفاه در این کشور پرداختم و در پایان در جمع بندی گفتم که هرگاه ایران در افغانستان حضور موثر داشته، این کشور به ثبات و امنیت بیشتری نزدیک شده است.

ولادیمیر ساژین محقق موسسه شرق شناسی آکادمی علوم روسیه سخنران بعدی بود که تحت عنوان " نقش ایران در مسائل افغانستان " سخنرانی نمود. وی گفت افغانستان همواره مورد نظر ایران و حوزه منافع این کشور بوده و ایران در طول تاریخ از جمله در عصر شوروی و حاکمیت طالبان از تحولات این کشور غافل نگردید. طالبان یک تهدید جدی برای ایران بود و ایران برای مقابله با این تهدید به ائتلاف ضد طالبان کمک‌های مالی فراوانی کرد. با این حال ایران علیرغم کمک به دولت مرکزی و حمایت از بازسازی اقتصادی و اجتماعی این کشور، همزمان با طالبان نیز ارتباط داشته و اخباری مبنی بر ارسال اسلحه از سوی ایران برای طالبان منتشر شده است. وی با نام بردن از دو تن از نمایندگان مجلس افغانستان، ادعای کمک نظامی ایران به طالبان را به نقل از آنان اعلام نمود. (پس از خاتمه اظهارات ایشان، با اشاره به تضادهای عقیدتی و نیز سابقه تخاصم جریان طالبان و القاعده با جمهوری اسلامی ایران، هر گونه ارتباط و کمک نظامی کشورمان به طالبان تکذیب گردید. اضافه گردید که کشورهای غربی به دلیل اشتباهات خود در افغانستان زمین گیر شده اند و ایراد اتهام به جمهوری اسلامی ایران که عمدتاً از زبان مسئولین این کشورها و رسانه های غربی صورت می گیرد در واقع در جهت فرافکنی مشکلات است).

پیتر گونچارف تحلیلگر سیاسی آژانس خبری " ریا نووستی " سخنران بعدی بود که تحت عنوان " ابعاد بن بست سیاسی و نظامی در افغانستان " ضمن مخالفت با خروج امریکا از افغانستان گفت خروج امریکا موجب ایجاد حکومت اسلامی در این کشور می شود و وقوع چنین رویدادی به هیچ وجه در جهت منافع روسیه و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز نیست. وی گفت با خروج امریکا، طالبان و القاعده در افغانستان بر اوضاع مسلط شده و متعاقب آن یک دولت اسلامی در دره فرغانه تشکیل می گردد.

به گفته وی، دولت افغانستان توجه چندانی به روسیه نداشته و هم اکنون روسیه کمترین نفوذ را در قیاس با دیگر کشورهای منطقه در افغانستان دارد. وی در این خصوص به سخنرانی کرزای اشاره کرد که در آن از کمک و مساعدت کشورهای امریکا، چین، ژاپن، عربستان و ایران در ایجاد ثبات و توسعه در افغانستان تقدیر گردید لکن هیچ اشاره ای به روسیه نشد.

جلسه دوم مباحث تخصصی کنفرانس، تحت عنوان "مسائل اقتصادی و جنبه های انسانی بحران افغانستان " برگزار گردید. ابتدا پیتر لینکه رئیس بخش روسیه موسسه روزا

لوکزامبورگ به عنوان رئیس جلسه به مسائل و مشکلات انسانی در افغانستان اشاره نمود و شرایط وخیم اوضاع در این کشور را از زبان رسانه‌های غربی تشریح نمود. در ادامه، یوری لالتین استاد موسسه شرق شناسی دانشگاه دولتی مسکو تحت عنوان "رویکرد و نقش روسیه در حل و فصل بحران افغانستان" به تشریح سیاست روسیه در افغانستان و روابط دو کشور پرداخت. وی پس از اشاره به مذاکرات بین رهبران و مسئولین روسی و افغانی طی سال‌های اخیر، سیاست روسیه را حول محورهایی نظیر حمایت از دولت مرکزی، مشارکت در بازسازی اقتصادی و مخالفت با بازگشت طالبان به قدرت اعلام کرد. وی بر مخالفت روسیه با هر گونه مذاکره با طالبان تاکید و به نقل از وزیر خارجه روسیه اعلام کرد که موضع اصولی روسیه آن است که ارتش ملی باید تقویت شود. وی گفت روسیه در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ به بازسازی ارتش افغانستان کمک نموده و نزدیک به صد نفر از این نیروها در روسیه آموزش دیده اند.

آرنه زایفر کارشناس بنیاد روزا لوکزامبورگ سخنران بعدی بود که با عنوان "حل و فصل مناقشه در افغانستان: مقایسه بین تاجیکستان و افغانستان" به تشریح ابعاد مختلف جنگ داخلی تاجیکستان پرداخت. وی نقش مثبت روسیه و ایران در حل و فصل بحران تاجیکستان را مهم ارزیابی نموده و مهمترین عامل در حل این بحران را رویکرد برد-برد نزد طرف‌های درگیر و متخاصم در تاجیکستان دانست که به اعتقاد وی این امر در افغانستان تاکنون محقق نگردیده است. وی ادامه داد که رویکرد برد-برد راه حل نظامی ندارد. شکست در افغانستان برای هیچ کس مفید نیست. راه حل تاجیکستان برد-برد بود. در این کشور توافق ملی بود. وی بر تقویت نقش سازمان ملل در افغانستان تاکید و اظهار داشت ناتو باید از اشتباهات خود در افغانستان عبرت بگیرد. اگر ناتو نتواند پایان دهد دیگران آن را خاتمه خواهند داد. سازمان ملل باید ابتکاراتی در این جهت به کار بگیرد. این ابتکارات باید سه بعد داشته باشد؛ بین المللی کردن حل مسئله افغانستان به جای آنکه یک کشور یا سازمان در این مورد تصمیم بگیرد، رفع انحصار طلبی نظامی در افغانستان و سرانجام، احاله امور به دولت مستقل و کارآمد در افغانستان. کشورها و سازمان‌های دیگر می‌توانند در این مشارکت نمایند لکن باید نتیجه و نهایت کار معلوم شود.

سخنران بعدی، خانم تاتیانا شائومیان رئیس مرکز مطالعات هند در موسسه شرق شناسی آکادمی علوم روسیه با عنوان مقاله "عامل هند در حل و فصل مسئله افغانستان" به

تشریح سیاست‌ها و اقدامات هند در قبال افغانستان پرداخت. وی با ذکر برخی مولفه‌ها نظیر نقش تمدن اسلامی در هند، جمعیت مسلمان این کشور و نقش این کشور در مبارزه با افراط‌گرایی و تروریسم، به همکاری مشترک روسیه، چین و هند در مبارزه با تروریسم اشاره کرد. وی با استناد به نتایج جلسه سه جانبه اخیر سه کشور مذکور در خصوص افغانستان، اظهار داشت هر سه کشور توافق کردند که در افغانستان راه حل نظامی به شکست خواهد انجامید. نیروهای خارجی باید از افغانستان خارج شوند زیرا حضور آنان موجب بی ثباتی است. هر سه کشور معتقدند که مسئله افغانستان با در نظر گرفتن منافع همه طرف‌های درگیر از جمله طالبان قابل حل و فصل است.

وفا نیاتیکوف محقق ارشد مرکز سیاست خارجی و تحولات اقتصادی در موسسه تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری تاجیکستان با عنوان "رابطه بین ثبات نظامی- سیاسی و راه‌های توسعه اقتصادی افغانستان" گفت استقرار ثبات در افغانستان این امکان را فراهم می‌کند تا دیگر کشورهای آسیای مرکزی بتوانند در بازسازی این کشور شرکت کنند اما متأسفانه شرایط جاری در افغانستان از چنین وضعیتی بدور است. قدرت‌گیری مجدد طالبان و نمایش قدرت علیه دولت مرکزی موجب نگرانی است. بی ثباتی در افغانستان به روشنی به پاکستان سرایت کرده است. نقش قبایل پشتون در این رابطه بسیار حائز اهمیت است.

وی در مورد عبور خطوط لوله از افغانستان گفت در ابتدای دهه ۹۰ پاکستان قاطعانه از خط لوله افغانستان حمایت کرد و بی‌نظیر بوتو آن را با جدیت پی‌گیری کرد. تابستان سال جاری کرزای با رئیس‌جمهور ترکمنستان در مورد انتقال گاز ترکمنستان به پاکستان گفتگو نمود. در مذاکرات در عربستان، دلتا اوایل از طرح این موضوع با رهبران طالبان خبر داد. امریکا در پی تحکیم اقتدار خود در منطقه است و بر روی خطوط لوله تمرکز نموده است. در این رابطه برخی پروژه‌ها در حال پی‌گیری است.

کنستانتین مارکوف محقق موسسه شرق شناسی آکادمی علوم روسیه با عنوان "مشارکت ایران در حل و فصل وضعیت جاری افغانستان" سخنران بعدی بود. وی گفت چهار فاکتور اساسی در مواضع و سیاست‌های ایران در قبال افغانستان تاثیر دارد که عبارتند از ژئوپلیتیک افغانستان، منافع اقتصادی، امنیت ایران و فاکتور عقیدتی. وی رویکرد ایران در قبال

افغانستان را مبتنی بر مقابله با امریکا و مساعدت به توسعه همکاری اقتصادی با این کشور ارزیابی کرد

محمود شاه محقق ارشد موسسه روابط بین الملل مسکو آخرین سخنران سمینار بود که تحت عنوان "افغانستان، سازمان همکاری شانگهای و مسئله قاچاق مواد مخدر" به ایراد مطالب خود پرداخت. وی با تمرکز بر روی سازمان همکاری شانگهای و اینکه این سازمان دارای سازوکارهای مناسب برای درگیر شدن در بحران افغانستان است، نگرانی اعضای سازمان از سرایت بحران افغانستان به آسیای مرکزی و دیگر کشورهای منطقه را جدی ارزیابی کرد و گفت سازمان شانگهای می‌تواند با همکاری سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان ملل ایفای نقش کند زیرا کشورهای عضو این دو سازمان به شکلی درگیر بحران افغانستان هستند.

در جلسه جمع بندی کنفرانس، آقای ماخلای معاون مرکز سیاسی و اجتماعی روسیه اظهار داشت طی شش ساعت بحث جدی داشتیم و نقش افغانستان در آسیای مرکزی و دیگر موضوعات پرداختیم. به نظر می‌رسد می‌توان موارد زیر را به عنوان جمع بندی مباحث ارائه نمود:

- شرایط اجتماعی و امنیتی در افغانستان بسیار کمتر از حد انتظار است،
- بحران افغانستان راه حل بیرونی و نظامی ندارد،
- نسبت به توفیق لشکر کشی ناتو و امریکا به افغانستان تردید جدی وجود دارد،
- وضعیت افغانستان نیازمند ابتکارات جدید بین منطقه‌ای و در منطقه است،
- سرایت بی ثباتی به آسیای مرکزی برای این کشورها و روسیه می‌تواند عواقب ناگواری به همراه داشته باشد،
- نقش سازمان همکاری شانگهای در حل و فصل بحران افغانستان حائز اهمیت است و باید هم از سوی اعضا و هم از سوی دیگر بازیگران منطقه مورد توجه قرار گیرد.

#### ملاحظات

۱. مرکز سیاسی - اجتماعی روسیه از مراکز تحقیقاتی برجسته در روسیه است که ارتباط نزدیکی با کرملین داشته و گزارشات جلسات و جمع بندی خود را به ریاست جمهوری و وزارت امور خارجه روسیه ارائه می‌دهد. این سازمان دارای گرایش خفیف ضد

غربی است و برگزاری کنفرانس‌های مشترک با موسسه روزا لوکزامبورگ که به طیف سوسیالیست آلمان گرایش دارد نیز ناشی از همین رویکرد می باشد.

۲. در خلال جلسات سمینار، ضمن گفتگو با جمعی از محققین روسی و دیگر مراکز تحقیقاتی در خصوص تحولات منطقه، طی مذاکره با مسئولین بنیاد آلمانی روزا لوکزامبورگ توافق شد تا دومین میزگرد دفتر مطالعات با این بنیاد در آینده نزدیک در برلین برگزار گردد. لازم به ذکر است که نخستین میزگرد مشترک دو موسسه در سال ۱۳۸۳ در تهران برگزار گردید.

۳. گنجاندن سه سخنرانی در خصوص مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال افغانستان بیانگر توجه برگزار کنندگان کنفرانس به نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در افغانستان است. به جز سخنرانی آقای ساژین (که سابقه دیدگاه‌های منفی علیه جمهوری اسلامی ایران دارد)، فضای جلسه نسبت به مواضع جمهوری اسلامی ایران در افغانستان فضای مثبتی بود. سخنرانی اینجانب در این ارتباط مورد توجه حاضرین به ویژه رئیس جلسه قرار گرفت.

#### نظریه

محتوای مباحث کنفرانس موید این مطلب است که تأثیر تحولات افغانستان بر آسیای مرکزی و سرایت بی‌ثباتی به این کشورها بیش از هر موضوع دیگری توجه روسیه را به خود معطوف نموده است. در این ارتباط، اظهارات برخی شرکت کنندگان روسی مبنی بر لزوم تداوم حضور آمریکا در افغانستان با هدف ممانعت از سرایت بی‌ثباتی به آسیای مرکزی حائز توجه بود. این امر بیانگر آن است که برای روسیه، مهمترین موضوع در افغانستان، ممانعت از تکرار الگوی القاعده و طالبان در آسیای مرکزی به ویژه دره فرغانه است و تداوم حضور آمریکا نه تنها از اهمیت کمتری در قیاس با هدف نخست برخوردار است بلکه ادامه حضور آمریکا و مبارزه با طالبان و القاعده حتی می‌تواند در راستای نیل به هدف نخست مثبت ارزیابی گردد. از سوی دیگر، تجربه سالهای اخیر به روسیه آموخته است که ادامه درگیری آمریکا در موضوعاتی نظیر عراق و افغانستان می‌تواند به سود مسکو تمام شود. بر این اساس، تداوم چنین وضعیتی بدون توفیق آمریکا، می‌تواند در جهت منافع منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه ارزیابی گردد.

#### منوچهر مرادی

رئیس مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز